یادداشت

فضای شهری تهران قدیم، درجست‌وجوی آرامش و امنیت

ادامه از صفحه اول

شهرداری منطقه چندین سال است می‌خواهد به این وضعیت خاتمه دهد اما با مقاومت موتوری‌ها روبه‌رو می‌شود که موتورهای بزرگ‌شان را در وسط خیابان نگه می‌دارند و عین خیال‌شان هم نیست! کارشناسان ترافیک شهرداری منطقه ۱۲ می‌گویند سال‌هاست تمایل به خرید پارکینگ برای لاله‌زاری‌ها دارند، اما هیچ‌کس نمی‌فروشد، یا اگر بفروشد، قیمتی چهار برابر قیمت منطقه‌ای پیشنهاد می‌کند. اقدامات عمرانی دیگری نیز در ادامه پیاده‌روسازی‌های چند سال پیش در خیابان لاله‌زار نو، امروز در لاله‌زار جنوبی در دست اجراست که به‌زودی به اصلاح مختصر پیاده‌روها و سنگ‌فرش‌شدن خیابان خواهد انجامید. مع‌ذلک سامان‌یافتن این وضعیت ناشایست -در مقایسه با وضعیت کسبه پولدار و مرفه لاله‌زار- چیزی نیست که به همین سادگی دست‌یافتنی باشد. این سامان‌یابی باید ابتدا در ذهن و مغز مغازه‌داران، موتوری‌ها، چرخی‌ها و تمام افرادی که این شرایط بحرانی سال‌هاست برای‌شان عادی شده، اتفاق بیفتد. همین انتظار از اهالی بازار تهران نیز می‌رود. در مقیاس فضاهای عمومی شهری، امنیت و نظم اغلب با سازوکارهای رسمی برقرار می‌شود: حضور پلیس، دوربین‌ها، گشت‌ها و تابلوهای توقف ممنوع و حمل با جرثقیل. اما این تسلط و استقرار قانون و آرامش در فضای شهر لازمه‌اش باور مردم و مشارکت آنها در حفظ و پایش این فضا از درون آن و به واسطه روابط انسانی نیز هست. باید خود مردم هم چشم ناظر باشند. نه از سرِ قدرت، بلکه از سر دلسوزی برای شهر و رعایت حق دیگران برای استفاده مناسب از خیابان، به‌ویژه در ساعات شب و زمان فراغت. خود صنف الکتریک، یعنی مالک مطلق لاله‌زار نیز باید برای بهبود شرایط این خیابان فکری بکند. امنیت و آرامش زمانی در شهر تهران و نمونه خیابان لاله‌زار پایدار خواهد شد که اقتدار پلیس و قانون، با مهربانی، حس مسئولیت، غیرت و فهم و درک اهالی درآمیزد.

سرمایه‌گذاری یا سرمایه‌سوزی

ادامه از صفحه اول

ج- جاده‌ها هم از نظر فنی دچار مشکل هستند و بیش از پنج هزار نقطه خطرآفرین در آن وجود دارد و آسفالت‌های آن به دلیل زیرسازی‌های نامناسب، کیفیت نامناسب آسفالت و تردد بیش از اندازه کامیون‌های سنگین دچار مشکل هستند و سالانه حدود ۲۰ هزار نفر تلفات جانی و ده‌ها هزار میلیارد تومان خسارت مادی به کشور تحمیل می‌شود.

د- در شرایط فعلی تنها امکان استخراج چهار میلیون بشکه نفت در روز همراه با تأسیسات قدیمی فراهم است که دو میلیون بشکه آن مصرف داخل دارد. بنا بر اعلام وزارت نفت برای پایداری و ارتقای استخراج نفت نیاز به سرمایه‌گذاری کلان در حد صد میلیارد دلار وجود دارد.

هـ درحالی‌که مجموع مصرف نفت و گاز داخلی (همراه با واردات بنزین و گازوئیل) معادل هشت میلیون بشکه در روز است، ناترازی مصرف و تولید گاز مشهود بوده و نیاز به سرمایه‌گذاری کلان در حوزه گاز وجود دارد.

و- حسب گزارش وزارت نیرو لوله‌کشی‌های آب در بیشتر شهرها دچار پوسیدگی شده و حجم معتنابهی آب از لوله‌ها هدر می‌رود.

د- نوعا در همه شهرها تأسیسات جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب وجود ندارد و نیاز به تأسیس این مراکز است.

۳- از نظر تولید

الف- به جز تعدادی معدود کارخانجات جدیدالتأسیس عمدتا در صنایع غذایی، تولید صنعتی ما به دلیل نبود دانش فنی و تجهیزات پیشرفته نمی‌تواند در عرصه بین‌المللی رقابت کند و به‌همین‌دلیل قیمت تمام‌شده کالاهای ایران قابل رقابت با تولیدگران اصلی دنیا نیست. به طور مثال در تولید خودرو درحالی‌که همه کشورها به دنبال برقی‌کردن یا هیبریدی‌کردن خودرو هستند، تولیدات کشور ما به صورت سنتی و نوعا بنزینی یا گازوئیلی با مصرف بسیار بالاست و هیچ کشوری خریدار آن نیست.

ب- بیشترین تولید کشاورزی در کشور ما با روش سنتی و مصرف غرقابی آب صورت می‌گیرد و کمبود آب چاه‌ها و سدها موجب نزول تولیدات کشاورزی خواهد شد. با توجه به آنکه سالانه در حدود ۳۰ میلیون تن واردات کالای کشاورزی وجود دارد، هرگونه کاهش در تولیدات کشاورزی به خاطر سنتی‌بودن عدم رویکرد به کشاورزی نوین فاجعه‌بار خواهد بود و ایران تبدیل به بزرگ‌ترین واردکننده کالای کشاورزی خواهد شد، به نحوی که بنادر و ترابری کشور قادر به تخلیه و حمل آنها نخواهد بود.

ج- حمل‌ونقل

تنها پنج درصد از حمل‌ونقل کالا در کشور به وسیله راه‌آهن انجام می‌شود و از این بابت فشار بسیار زیاد به کامیون‌ها و جاده‌ها وارد می‌شود. درحالی‌که هم سیستم راه‌آهن نیاز به نوسازی دارد و هم اکثر کامیون‌ها فرسوده هستند.

ناوگان هوایی هم بسیار محدود و هم بسیار قدیمی است و برخلاف برخی کشورها مثل آلمان یا آمریکا که پرواز با هواپیما به‌مثابه راه‌رفتن روی زمین است، مسافران در کشور با عدم اطمینان و دلهره از پروازهای هوایی استفاده می‌کنند، ضمن آنکه کمیت امکانات ترابری هوایی کاملا مشهود است.

۴- از نظر امور مالی و پولی

الف- با وجود تحریم‌ها فروش نفت به‌شدت نزول کرده و تخفیف بابت فروش موجب کاهش واضح درآمد نفتی شده است.

ب- حجم نقدینگی به دلایل مختلف و کنترل‌ناپذیر به‌شدت در حال افزایش است. نقدینگی که یا در بانک‌ها صرف تسهیلات بازرگانی یا تسهیلات مالی اجباری می‌شود و در خدمت تولید قرار نمی‌گیرد. با بهره ۳۰ درصد تضمین‌شده بانک‌ها به سپرده‌ها که معاف از مالیات است، کدام سرمایه‌گذاری رشد می‌کند؟

ج- سرمایه‌گذاری در کشور به دلایل متعدد تنها در طلا و ارز صورت می‌گیرد و مردم از حضور در سرمایه‌گذاری‌های نافع روی‌گردان هستند.

د- سرمایه‌گذاری‌های خارجی به دلایل واضح در حد صفر است.

هـ- خروج سرمایه از کشور به صورت واضحی صورت می‌گیرد. حسب اطلاعات اعلام‌شده در ۱۰ سال گذشته حدود ۲۸۰ میلیارد دلار خروج سرمایه داشته‌ایم.

و- بورس کالا کاملا منفعل و غیرقابل اطمینان است، به طوری که اقبال مردم به آن بسیار اندک است.

ز- سیاست‌های بانک مرکزی موجب شده به جای استفاده ارز برای سازندگی کشور، قاچاقچیان و خارج‌کنندگان سرمایه از ارز دولتی به صورت غیرمستقیم استفاده کنند.

ح- تولید ناخالص ملی به‌شدت به ارز وابسته است و هرگاه فروش نفت بالا می‌رود، تولید ناخالص ملی اندکی افزایش پیدا می‌کند. درعین‌حال ارقام تولید ناخالص ملی از لحاظ کیفی با ارقام مشابه تولید ناخالص ملی کشورهای پیشرفته قابل مقایسه نیست، زیرا فناوری ضعیف در کشور، هزینه‌های زیادی برای حصول تولید ناخالص ملی به کشور تحمیل می‌کند.

د- سالانه مبالغ معتنابهی صرف ورود کالای قاچاق می‌شود و حکمرانی تماشاگر قاچاق کالا از قبیل ۲۰ میلیارد نخ سیگار، ورود کالا از طریق کولبری‌ها، قاچاق از طریق به‌اصطلاح ته‌لنجی‌ها و بازارچه‌های مرزی و دیگر ورودی‌های رسمی و غیررسمی است.

بسیاری از موارد دیگر به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی مانند وضع دانشگاه‌ها، گردشگری بین‌المللی، تغییر بافت ملی و مذهبی شهرها به خاطر حضور افاغنه، مهاجرت نخبگان، شرایط معادن در دست بهره‌برداری و دیگر پدیده‌ها وجود دارد که آمار و اطلاعات آن در دسترس است و البته هیچ‌یک از مسائل یادشده با سیاست نبود اولویت‌بندی، برنامه‌ریزی جامع (برنامه هفتم) اجرانشدنی و سیاست‌های کج دار و مریز (بهتر است گفته شود کج رو و مریض) حل‌شدنی نیست، حتی اگر همه تحریم‌ها برداشته شود و قدرت‌های فائقه جهان که دل‌سختی‌شان ریشه‌دار و پایدار است، نرم‌خو و مهربان شوند. شده‌ایم چوب دو سر طلا، هم دیگران ما را تحریم می‌کنند و هم با وجود همه تحریم‌ها ژست پولدارها و ولخرج‌ها را می‌گیریم و می‌خواهیم به مردم بگوییم تحریم‌ها در زندگی بی‌اثر است و خود را شبیه کشورهای لیبرال می‌خواهیم درآوریم. چه تحریم‌ها باشد یا نباشد، چه با آمریکا توافق داشته باشیم یا نداشته باشیم، اگر در کشور خطر را احساس نکنیم و راه‌حل بر واقعیات و اولویت‌ها را انتخاب نکنیم، در سراشیبی کنونی به راه خود ادامه خواهیم داد تا چه بشود!

بازسازی اعتماد ملی با تحول در نظام پولی

اسکناس‌های طلایی و طلایار گامی برای احیای اقتصاد ایران

رحمت‌الله دریجانی

«بی‌اعتمادی، مانند زهری است که ریشه هر بنا را می‌خشکاند». این حکمت پارسی، امروز به تلخی مصداق اقتصاد ایران شده است. سال‌هاست که تورم فزاینده، ارزش پول ملی را فرسوده و پیوند میان مردم و نظام پولی را گسسته است. وقتی کارمندی از تأمین معیشت ماهانه‌اش اطمینان ندارد، وقتی خانواده‌ای برای حفظ دارایی‌اش به ارز خارجی یا دارایی‌های غیرمولد روی می‌آورد، نشانه‌ای آشکار از بحرانی عمیق پدیدار می‌شود. افزایش تقاضای ارز، فشار بر ذخایر ملی و هدایت سرمایه‌ها به بازارهای غیرمولد، چرخه‌ای مخرب ساخته که اقتصاد کشور را روزبه‌روز شکننده‌تر می‌کند. پیش‌تر پیشنهادی برای اصلاح نظام پولی ارائه شد (طرحی جامع برای اصلاح نظام پولی ایران، ۲۳ فروردین ۱۴۰۴) که معرفی اسکناس‌های درشت با پشتوانه طلا- هریک معادل یک گرم طلای خالص- و ارز دیجیتالی به نام طلایار را در بر داشت. هدف آن طرح، کاهش وابستگی به ارزهای خارجی، مهار تورم و مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تکانه‌های جهانی بود. اکنون، پرسشی بنیادین پیش‌روی ماست: آیا این ابزارها می‌توانند اعتماد ازدست‌رفته مردم را بازسازی کنند؟ آیا می‌توانند رفتار اقتصادی جامعه را به سوی ثبات و پویایی هدایت کنند؟ این نوشتار، کاوشی است در این پرسش؛ تلاشی برای ترسیم آینده‌ای که در آن پول ملی بار دیگر مایه اطمینان و افتخار باشد.

پول، اعتماد و سایه گذشته

پول، فراتر از ابزار مبادله، نماد پیوند اجتماعی است. اما وقتی تورم سالانه به مرز ۴۰ درصد می‌رسد، وقتی شوک ارزی سال ۱۳۹۱ -که گزارش‌های بانک مرکزی کاهش ۵۰درصدی ارزش ریال را تأیید می‌کنند- خاطره‌ای تلخ در اذهان بر جای گذاشته، وقتی بحران مؤسسات مالی غیرمجاز در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ -مستند در گزارش‌های مجلس شورای اسلامی- دارایی میلیون‌ها نفر را به مخاطره انداخت، چگونه می‌توان انتظار داشت که مردم به پول ملی وفادار بمانند؟ این رخدادها، که در آرشیو رسانه‌های معتبر مانند «شرق» و دنیای اقتصاد ثبت شده‌اند، بی‌اعتمادی را به بنیان اقتصاد تزریق کرده‌اند. گرایش گسترده به ارزهای خارجی، انباشت طلا یا سرمایه‌گذاری در دارایی‌های غیرمولد مانند خودرو و ملک، نه‌تنها انتخابی فردی، بلکه واکنشی منطقی به دهه‌ها بی‌ثباتی است. این رفتار، اقتصاد را در تنگنایی گرفتار کرده که منابع ملی را از تولید دور می‌کند و فشار بر ذخایر ارزی را تشدید می‌کند. اسکناس‌های مبتنی بر طلا و ارز دیجیتال طلایار، پاسخی به این بحران‌اند. اسکناس‌هایی که ارزش هریک به یک گرم طلای خالص در خزانه وابسته است، می‌کوشند اطمینان دهند که دارایی مردم از گزند تورم و سیاست‌های ناپایدار مصون می‌ماند. طلایار، با بهره‌گیری از فناوری بلاک‌چین، شفافیت و امنیت را به تراکنش‌های روزمره می‌آورد، اما موفقیت این ابزارها به جلب اعتماد عمومی گره خورده است. بدون تغییر در باورها و رفتارهای اقتصادی جامعه، حتی پیشرفته‌ترین نظام‌های پولی نیز به نتیجه نخواهند رسید.

چگونه اعتماد بازمی‌گردد؟

- طلا، پشتوانه‌ای با اعتبار جهانی: طلا، در اقتصاد جهانی و فرهنگ ایران، همواره نمادی از ثبات بوده است. اسکناس‌های درشت با پشتوانه طلا، که هریک معادل یک گرم طلای خالص ارزش‌گذاری شده‌اند، این اعتبار را به ابزاری مالی بدل می‌کنند. برخلاف پول رایج که ارزشش به تصمیمات سیاسی وابسته است، این اسکناس‌ها به قیمتی جهانی و پایدار متکی‌اند. کارمندی که ۲۰ میلیون تومان پس‌انداز کرده، اگر بداند که با اسکناس‌های یک میلیون‌ریالی جدید، همواره می‌تواند معادل ۲۰ گرم طلا دریافت کند، انگیزه‌ای برای روی‌آوردن به بازار ارز نخواهد داشت. این اطمینان، بنیانی است برای بازسازی اعتماد به نظام پولی.

- طلایار، شفافیت در عصر دیجیتال: طلایار، ارزی دیجیتال مبتنی بر بلاک‌چین، زمینه‌ای فراهم می‌آورد که در آن هر تراکنش شفاف و امن است. سال‌هاست که بی‌اعتمادی به نهادهای مالی، مردم را از نظام پولی رسمی دور کرده است. بحران مؤسسات مالی غیرمجاز در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷، که گزارش‌های رسمی از زیان‌های گسترده آن حکایت دارند، این شکاف را عمیق‌تر کرد. طلایار می‌تواند این روند را معکوس کند. اگر بانک مرکزی نرم‌افزاری کاربرپسند طراحی کند که حتی یک کاسب در شهری دورافتاده بتواند از آن بهره ببرد، این ابزار به پل ارتباطی میان مردم و نظام مالی بدل خواهد شد. برای نمونه، تاجری در بازار تبریز که با طلایار تراکنش‌هایش را انجام می‌دهد، نه‌تنها از امنیت دارایی‌اش مطمئن است، بلکه به اقتصادی رسمی بازمی‌گردد که سال‌ها از آن گریزان بود.

- ثبات، ضرورتی برای آرامش اجتماعی: بی‌ثباتی ارزش پول، اضطرابی مزمن به جامعه تحمیل کرده است. وقتی ارزش دارایی‌ها هر روز تغییر می‌کند، برنامه‌ریزی برای آینده به امری ناممکن بدل می‌شود. اسکناس‌های درشت، که برای پس‌اندازهای بلندمدت طراحی شده‌اند، می‌توانند به خانواده‌ای در بندرعباس اطمینان دهند که تلاش امروزشان برای فردای فرزندان‌شان حفظ خواهد شد. طلایار، که برای پرداخت‌های روزمره و تراکنش‌های دیجیتال ساخته شده، می‌تواند به جوانی در تهران این نوید را بدهد که هزینه‌هایش از نوسانات ناگهانی در امان است. این ثبات، کلید بازسازی آرامش اجتماعی و اعتماد اقتصادی است.

رفتار اقتصادی، محور تحول

- کاهش وابستگی به ارز خارجی: گرایش به ارزهای خارجی، به‌ویژه دلار، اقتصاد ملی را تحت فشار قرار داده است. دلار برای بسیاری نمادی از امنیت تلقی می‌شود، اما این امنیت کاذب هزینه‌ای گزاف دارد: افزایش قیمت‌ها، فشار بر ذخایر ارزی، و تضعیف پول ملی. اسکناس‌های طلایی می‌توانند این معادله را تغییر دهند. اگر مردم اطمینان یابند که یک اسکناس یک میلیون‌ریالی جدید، ارزشی پایدار در برابر تکانه‌های جهانی دارد، انگیزه برای پناه‌بردن به بازار ارز کاهش می‌یابد. برای مثال، معلمی که قصد پس‌انداز ۵۰ میلیون تومان برای آینده فرزندش را دارد، می‌تواند به جای خرید دلار، اسکناس‌های طلایی تهیه کند که ارزشش به طلای خزانه وابسته است. این تغییر رفتار، اقتصاد ملی را از فشارهای ارزی می‌رهاند.

- هدایت منابع به تولید: بی‌اعتمادی به پول ملی، سرمایه‌ها را به سوی دارایی‌های غیرمولد مانند خودرو و ملک سوق داده است. این روند، اقتصاد را از پویایی محروم کرده و منابع را در چرخه‌های بی‌ثمر حبس می‌کند. اما یک پول باثبات می‌تواند این منابع را آزاد کند. اسکناس‌های طلایی، که برای پس‌اندازهای کلان طراحی شده‌اند، به مردم اطمینان می‌دهند که دارایی‌شان ارزش خود را حفظ می‌کند. طلایار، با سهولت استفاده در تراکنش‌های دیجیتال، زمینه‌ای برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و نوآور فراهم می‌آورد. برای نمونه، کارآفرینی در شیراز می‌تواند با طلایار مواد اولیه بخرد و محصولاتش را در بازارهای آنلاین بفروشد. این تحول، سرمایه‌های راکد را به نیروی محرکه تولید و اشتغال بدل می‌کند.

- بازگشت به نظام مالی رسمی: بی‌اعتمادی به بانک‌ها، مردم را به انباشت نقدینگی در خانه‌ها کشانده است. تجربه‌های تلخ، مانند بحران مؤسسات مالی غیرمجاز در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷، این انزوا را تشدید کرده است. اما طلایار، با امکان استفاده آسان و تبدیل سریع به اسکناس یا طلا، می‌تواند این دیوار را فروبریزد. برای مثال، کاسبی در بازار یزد که پیش‌تر از نظام بانکی گریزان بود، می‌تواند با طلایار تراکنش‌هایش را انجام دهد و بخشی از دارایی‌اش را به اسکناس‌های طلایی تبدیل کند. این بازگشت، نقدینگی را به اقتصاد رسمی بازمی‌گرداند و چرخه‌ای مثبت ایجاد می‌کند. اما این روند برای اقشار کم‌درآمد و مناطق محروم چالش‌برانگیزتر است و نیازمند تمهیدات ویژه‌ای خواهد بود.

موانع پیش‌رو

چالش‌های اجرای این طرح متعددند، مانند:

- بی‌اعتمادی ریشه‌دار: تجربه‌های تلخ مانند شوک ارزی سال ۱۳۹۱ و بحران مؤسسات مالی غیرمجاز در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷، هر پیشنهاد جدیدی را با بدبینی مواجه می‌کند. مردم ممکن است اسکناس‌های طلایی و طلایار را موجی زودگذر تلقی کنند که عاقبت به ناکامی می‌انجامد. غلبه بر این بی‌اعتمادی، نیازمند صبر و شفافیت است.

- چالش‌های فناوری: طلایار برای نسلی که با فناوری دیجیتال خو گرفته، ابزاری کارآمد است، اما برای بسیاری، به‌ویژه در مناطق کمتربرخوردار یا میان‌سالانی که با فناوری غریبه‌اند، استفاده از ارز دیجیتال دشوار است. بدون آموزش گسترده، این ابزار در خطر محدودماندن به اقشار خاصی قرار دارد.

- گرایش به روش‌های سنتی: وابستگی به دلار و طلا، ریشه در سال‌ها بی‌ثباتی دارد. تغییر این عادت، که به بخشی از رفتار اقتصادی جامعه بدل شده، کاری دشوار است. ممکن است مردم با اولین نشانه تردید، به همان پناهگاه‌های آشنای دلار و سکه بازگردند.

- فشارهای خارجی: تحریم‌های بین‌المللی می‌توانند اعتماد مردم به پایداری این نظام پولی را تضعیف کنند. شایعاتی درباره کمبود ذخایر طلا یا محدودیت‌های بازار جهانی می‌توانند پذیرش عمومی را مختل کنند، حتی اگر پایه‌ای واقعی نداشته باشند.

راهکارهای جلب مشارکت عمومی

برای پذیرش عمومی این طرح، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- آغازی محتاطانه در مقیاس کوچک: اجرای آزمایشی طرح در منطقه‌ای محدود، مانند جزیره قشم یا شهری مانند شیراز، می‌تواند کارآمدی آن را به مردم نشان دهد. موفقیت یک کاسب که با طلایار فروش خود را افزایش داده یا خانواده‌ای که با اسکناس‌های طلایی پس‌اندازش را حفظ کرده، می‌تواند دیگران را به مشارکت ترغیب کند.

- شفافیت، ستون اعتماد: بانک مرکزی باید گزارش‌های دوره‌ای و ساده‌ای منتشر کند که حجم ذخایر و سازوکار انتشار اسکناس‌ها و طلایار را توضیح دهد. نظارت نهادهای مستقل، مانند دانشگاهیان یا حساب‌رسان بی‌طرف، می‌تواند اطمینان عمومی را تقویت کند.

- ارتباط مؤثر با جامعه: برنامه‌های آموزشی در بازارها، اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های محلی، و گفت‌وگوهای مستقیم با اقشار مختلف، می‌توانند طرح را به همه معرفی کنند. برای مثال، کارگاهی در بازار زاهدان می‌تواند به کاسب‌ها نشان دهد که طلایار چگونه کسب‌وکارشان را رونق می‌دهد.

- مشوق‌های هدفمند: مشوق‌هایی مانند تخفیف‌های مالیاتی برای استفاده‌کنندگان از طلایار، یارانه‌های ویژه یا وام‌های کوچک برای اقشار کم‌درآمد می‌توانند پذیرش طرح را تسریع کنند. برای نمونه، پرداخت یارانه‌ها از طریق طلایار می‌تواند آن را فراگیر کند.

- فناوری در خدمت همه: نرم‌افزار طلایار باید چنان ساده طراحی شود که حتی در مناطق کم‌برخوردار قابل استفاده باشد. نسخه‌های آفلاین یا رابط‌های گرافیکی ابتدایی می‌توانند این ابزار را به دست همه برسانند.

چشم‌اندازی برای آینده

اجرای آزمایشی این طرح در شهری مانند ساری با ۵۰۰ کیلوگرم طلا می‌تواند آغازگر تحول باشد. این مقدار، امکان انتشار ۵۰۰ هزار اسکناس یک میلیون‌ریالی جدید و ۵۰۰ هزار واحد طلایار را فراهم می‌کند. با فرض قیمت ۷۰ دلار برای هر گرم طلا (مارس ۲۰۲۵)، ارزش کل این نظام حدود ۳۵ میلیون دلار خواهد بود. اگر ۲۰ هزار خانواده در این شهر هرکدام پنج اسکناس یا واحد طلایار تهیه کنند، صد هزار واحد در اقتصاد محلی به گردش می‌افتد. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهند که چنین اقدامی می‌تواند تقاضای ارز خارجی را تا ۲۰ درصد کاهش دهد. گسترش این الگو به دیگر شهرها، می‌تواند ایرانی را رقم بزند که به پول ملی‌اش افتخار می‌کند.

درس‌هایی از جهان

تجربه ونزوئلا با ارز دیجیتال پترو ناکام ماند، زیرا فقدان اعتماد عمومی و شفافیت، آن را به بن‌بست کشاند. در مقابل، چین با یوان دیجیتال، با تکیه بر آموزش و شفافیت، پیشرفت کرده است. زیمبابوه نیز نشان داد که بدون اعتماد عمومی، حتی اتکا به ارز خارجی راه‌حل نیست. ایران می‌تواند از این درس‌ها بهره گیرد. تکیه بر طلا، که ارزشی جهانی دارد، امتیازی است که این طرح را متمایز می‌کند.

سخن پایانی

اسکناس‌های طلایی و طلایار، پیشنهادی برای پایان‌دادن به اضطراب اقتصادی، هدایت منابع به تولید، و رهایی از وابستگی به ارزهای خارجی هستند. اما این تحول، تنها با مشارکت مردم ممکن است. نهادهای مسئول باید با برنامه‌ریزی دقیق، از اجرای آزمایشی تا اطلاع‌رسانی شفاف، اعتماد عمومی را جلب کنند. اعتماد مردم، سرمایه‌ای است که هیچ خزانه‌ای با آن برابری نمی‌کند. وقت آن است که برای احیای این سرمایه بکوشیم و نشان دهیم که پول ملی می‌تواند دوباره مایه افتخار باشد. «گر من از خاک تو خیزم، چون گل از خاک برآیم». شاید این طرح، گلی باشد که از خاک اعتماد مردم سر برآورد.

چرا اوکراین اهمیت دارد

ادامه از صفحه اول

- رتبه دوم در اروپا از نظر ذخایر سنگ جیوه
- رتبه سوم در اروپا (و سیزدهم در جهان) از نظر ذخایر گاز شیل (۲۲ تریلیون مترمکعب)
- رتبه چهارم در جهان از نظر ارزش کل منابع طبیعی
- رتبه هفتم در جهان از نظر ذخایر زغال‌سنگ (۳۳.۹ میلیارد تن)

اوکراین یک کشور مهم کشاورزی است:

- رتبه اول در اروپا از نظر مساحت زمین‌های قابل کشت
- رتبه سوم در جهان از نظر مساحت خاک سیاه (۲۵ درصد از حجم جهانی)
- رتبه اول در جهان در صادرات تخم آفتابگردان و روغن آفتابگردان
- رتبه دوم در تولید جو و چهارم در صادرات آن
- سومین تولیدکننده و چهارمین صادرکننده ذرت در جهان
- چهارمین تولیدکننده بزرگ سیب‌زمینی
- پنجمین تولیدکننده بزرگ چاودار
- پنجمین تولیدکننده بزرگ عسل در جهان (۷۵ هزار تن)
- هشتم در صادرات گندم
- نهم در تولید تخم‌مرغ
- شانزدهم در صادرات پنیر

اوکراین می‌تواند نیاز غذایی ۶۰۰ میلیون نفر را تأمین کند.

اوکراین یک کشور صنعتی مهم است:

- رتبه اول در اروپا در تولید آمونیاک (برای کود شیمیایی)
- دومین شبکه بزرگ خط لوله گاز طبیعی در اروپا و چهارم در جهان
- سومین از نظر ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های هسته‌ای در اروپا و هشتم در جهان
- رتبه سوم در اروپا و یازدهم در جهان از نظر طول شبکه راه‌آهن (۲۱هزارو ۷۰۰ کیلومتر)
- رتبه سوم در جهان (پس از آمریکا و فرانسه) در تولید رادار و تجهیزات مکان‌یابی
- سومین صادرکننده بزرگ سنگ آهن در جهان
- چهارمین صادرکننده توربین برای نیروگاه‌های هسته‌ای در جهان
- چهارمین تولیدکننده بزرگ پرتابگر موشک در جهان
- چهارمین صادرکننده خاک رس در جهان
- چهارمین صادرکننده تیتانیوم در جهان
- هشتمین صادرکننده سنگ معدن و کنسانتره در جهان
- همچنین صادرکننده محصولات صنایع دفاعی
- همچنین تولیدکننده بزرگ فولاد در جهان (۳۲.۴ میلیون تن)

اوکراین اهمیت دارد. به‌همین‌دلیل استقلال آن برای جهان مهم است.

با توجه به اینکه در متن فوق منبع رسمی ذکر نشده بود، درباره منبع و صحت و اصالت آن از هوش مصنوعی پرسیدم و در پاسخ ضمن تأیید محتوا، معادن اورانیوم و لیتیوم را هم بر آن افزود، که عینا در زیر می‌گذارم.

متنی که با عنوان «چرا اوکراین اهمیت دارد؟» دیده‌اید، یکی از نوشته‌هایی است که به طور گسترده‌ای در فضای مجازی پخش شده است. اگرچه منبع دقیق این پیام مشخص نیست، اما بارها در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده تا اهمیت استراتژیک اوکراین را به‌ویژه از نظر منابع معدنی‌اش نشان دهد.

درواقع، اوکراین دارای ذخایر درخورتوجهی از مواد معدنی حیاتی است که برای صنایع مختلف در جهان اهمیت دارند:

• لیتیوم: برای ساخت باتری‌های خودروهای الکتریکی و ذخیره انرژی تجدیدپذیر ضروری است. اوکراین یکی از کشورهایی است که دارای منابع لیتیوم درخورتوجهی است، ازجمله ذخیره مهم شِوچِنکو در استان دونتسک.

• عناصر نادر خاکی: شامل نئودیمیوم، سریم و لانتان، که در صنایع الکترونیک، سامانه‌های دفاعی، و فناوری‌های سبز کاربرد دارند.

• تیتانیوم: مورد استفاده در صنایع هوافضا، نظامی، و تجهیزات پزشکی.

• گرافیت و منگنز: در تولید باتری‌ها و صنعت فولاد کاربرد دارند.

این منابع باعث جلب توجه بین‌المللی شده‌اند. به‌عنوان مثال، ایالات متحده آمریکا علاقه‌مند به دسترسی به ذخایر معدنی اوکراین است و مذاکراتی میان دو کشور در این زمینه در حال انجام است. در نتیجه، اگرچه متن خاصی که خواندید، ممکن است منبع رسمی نداشته باشد، اما اطلاعات مربوط به منابع معدنی اوکراین و اهمیت جهانی آنها دقیق و مستند است.

هوش مصنوعی در پایان منابع خود را از قبیل خبرگزاری معتبر رویترز ذکر کرده است.

گزارش خبری

۸۴ درصد مددجویان بهزیستی دهک ۴ به پایین هستند

ایسنا: معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور گفت: دانشجویی که آموزش می‌بیند، معمولا در سطح خاصی از آموزش قرار دارد و تصور می‌کند فردی که باید به آن رسیدگی کند، از دهک‌های بالای جامعه و با سطح سواد بالاست. این در حالی است که ۸۴ درصد از افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی مربوط به دهک‌های چهار به پایین هستند و ۳۰ درصد آنها در دهک یک قرار دارند؛ یعنی از کف جامعه. دکتر فاطمه عباسی، معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی، در مراسم امضای تفاهم‌نامه همکاری میان این سازمان و دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی گفت: یک‌میلیون‌و ۶۰۰ هزار فرد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار دارند که از این میان، ۶۹۸ هزار نفر دارای معلولیت شدید و خیلی شدید هستند و ۹۳ درصد از این افراد در منزل نگهداری می‌شوند. وی با اشاره به ضرورت بازنگری در محتوای آموزشی دانشجویان رشته‌های مرتبط اظهار کرد: دانشجویی که آموزش می‌بیند، معمولا در سطح خاصی از آموزش قرار دارد و تصور می‌کند فردی که باید به آن رسیدگی کند، از دهک‌های بالای جامعه و با سطح سواد بالاست. این در حالی است که ۸۴ درصد از افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی مربوط به دهک‌های چهار به پایین هستند و ۳۰ درصد آنها در دهک یک قرار دارند؛ یعنی از کف جامعه.

عباسی تأکید کرد: باید این واقعیت را در فرایند آموزشی پررنگ‌تر ببینیم. محتوای آموزشی که تولید می‌شود باید برای آن ۹۳درصدی باشد که در خانه هستند. گاهی ادبیاتی که در محتواهای آموزشی به کار می‌رود -مثلا توسط کاردرمانگران یا گفتاردرمانگران- برای این جمعیت قابل فهم نیست و باعث می‌شود افراد یا خانواده‌هایشان متوجه آموزش‌ها نشوند. به همین دلیل، نیاز به محتوای آموزشی داریم که متناسب با نیازهای این گروه و درک خانواده‌هایی باشد که مستقیما با فرد دارای معلولیت در خانه سروکار دارند. همچنین دکتر سیدحسن موسوی‌چلک، معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی، در این مراسم گفت: این تفاهم‌نامه فرصتی است برای دانشگاه تا سرفصل‌های آموزشی خود را متناسب با حوزه‌های کاری سازمان بهزیستی تدوین و اجرا کند. بسیاری از استادان دانشگاه با ساختار و نیازهای سازمان آشنا هستند و این شناخت می‌تواند مسیر اجرا را تسهیل و تسریع کند. وی افزود: چند حوزه کلیدی باید برای دانشگاه تسهیل شود. نخست، کارورزی دانشجویان در فیلدهای مرتبط با فعالیت سازمان بهزیستی است که در حال حاضر فرایند آسانی نیست. لازم است حراست همکاری کند تا ورود دانشجویان به میدان‌های کاری مرتبط تسهیل شود. همچنین برگزاری تورهای علمی برای استادان و دانشجویان، و نیازسنجی دقیق آموزشی و پژوهشی از دیگر اقداماتی است که باید در اولویت همکاری‌ها قرار گیرد. موسوی‌چلک تأکید کرد: با عزم جدی در سازمان بهزیستی و دانشگاه، خروجی این تفاهم‌نامه می‌تواند بسیار اثربخش باشد. پیشنهاد می‌کنیم گزارش‌های ملی مشترکی میان حوزه اجرا و حوزه علمی در موضوعات مرتبط با مأموریت‌های سازمان تهیه شود. این گزارش‌ها باید مبتنی بر داده‌های واقعی و تحلیل‌های علمی باشند. حمایت از رساله‌های دکترایی که در راستای نیازهای سازمان بهزیستی تعریف شده‌اند، یکی از روش‌های مؤثر برای تقویت پیوند میان دانشگاه و حوزه اجراست. دکتر حمیدرضا خرم، معاون آموزشی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی نیز در این مراسم گفت: کارهایی که سازمان بهزیستی انجام می‌دهد، بسیار بزرگ و پراهمیت است و اگر قرار باشد این مأموریت‌ها تنها توسط سازمان انجام شود، عملا قابل اجرا نخواهد بود. برای تحقق مأموریت‌های سازمان بهزیستی، حضور و همراهی بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد ضروری است. ذات فعالیت‌های این سازمان به‌گونه‌ای است که بدون کمک سایر نهادها و ظرفیت‌های بیرونی نمی‌توان آنها را به‌درستی به سرانجام رساند. خرم با تأکید بر ظرفیت‌های دانشگاه در همکاری با سازمان بهزیستی خاطرنشان کرد: در حوزه‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی می‌تواند پشتیبان مؤثری برای سازمان بهزیستی باشد و در پیشبرد اهداف آن نقش ایفا کند.